

بازآفرینی هویت در خوانش عقلانی و وجودی از آموزه امامت و مهدویت

احمد کریمی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۲۶

چکیده

کلان آموزه مهدویت و خردآموزه‌های آن، که برخاسته از متن قرآن و روایات است در طول تاریخ غیبت خوانش‌ها و فهم‌های متنوعی را تجربه نموده است. این پژوهش با روش تحلیل مضمون به بررسی آثار مهدوی یکی از مهدی‌پژوهان معاصر، آیه‌الله العظمی لطف‌الله صافی پرداخته است. نظام‌واره آموزه مهدوی در دستگاه فکری او، با رویکرد عقلانی به ایمان و بر محور توحید شکل گرفته و در حالی که برخی قرائت‌های سنی و غالی از امامت و مهدویت در صدد تحریف این آموزه‌اند، حضرت آیه‌الله صافی گلپایگانی مرزبندی میان خالق و مخلوق را ضروری می‌داند. این مرجع مهدوی پژوه با طرد قرائت‌های مارکسیستی و لیبرال از خردآموزه‌های مهدوی هم‌چون عدل و انتظار، قرائتی از امامت و مهدویت داشته که ضمن تحفظ بر میراث روایی بر عناصر عقلانیت و انسجام، تکیه زده است. تاکید او بر معرفت حجت خدا و وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام، جایگاه امام در اندیشه انسان شیعی و اهمیت ایجاد یک رابطه وجودی موثر میان امام و ماموم را نشان می‌دهد. یافته‌های این پژوهش نشان داد اندیشه کلامی آیه‌الله صافی گلپایگانی توانسته است با عطف نظر به دغدغه‌های وجودی انسان، بنیان کلام کاربردی و الهیات نجات را در باورداشت مهدویت بنا نهد؛ مؤلفه‌های امید، معناداری و همگرایی جامعه مهدوی را در پیوند انسان منتظر با حجت، و یادآوری نقش منتظران در عصر ظهور تعریف نماید و از آموزه امامت و مهدویت برای بازآفرینی هویت انسان منتظر و جامعه منتظر در عصر غیبت بهره گیرد.

واژگان کلیدی: گفتمان مهدویت، الهیات وجودی، آیه‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی، عصر غیبت، هویت دینی، امامت و مهدویت، کلام کاربردی.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه کلام دانشگاه قرآن و حدیث قم، ایران (Ahmad.karimi@gmail.com).

مقدمه

آموزه مهدویت به دلیل اهمیت و نقش بسیار تعیین‌کننده آن در شبکه باور انسان شیعی و بازتاب‌های مهم‌اش در دیگر زنجیره‌های فکری این شبکه و نیز تأثیرات عملی آن بر ذهنیت و حوزه رفتار باورمندان به آن، همواره مورد توجه مرزبانان و راویان حریم ایمان شیعی بوده و از سویی دیگر با شدت گرفتن و گسترش دامنه دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌های دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام در دوره خلفای عباسی و با نزدیک شدن به دوران ولادت حضرت بقیة الله علیه‌السلام و دوره غیبت صغرای حضرت، بر تحركات نظری و عملی دشمنان برای محو موجودیت مهدی موعود علیه‌السلام و یا حداقل تشکیک و تردید در خصوص آن به شیوه‌های متنوعی افزوده شد.

بررسی و تحلیل شبهاتی که در دوره‌های منتهی به تولد و امامت آن حضرت توسط مخالفان رواج یافته نشان می‌دهد که خط تبلیغاتی معاندان، القای شبهات خویش را بر چند محور عمده متمرکز کرده بود: انکار ولادت امام مهدی علیه‌السلام، انکار امامت برای کودک، شبیه‌سازی چهره‌های موازی برای اشتباه در تعیین مصداق، انکار نسب امام، انکار وجود امام از طریق نفی طول عمر حضرت.

مکتب اهل بیت علیهم‌السلام با تکیه بر پیش‌بینی‌های متکی بر وحی، پیش‌دستانه کارزار عقیدتی تبلیغاتی جریان‌ات ضد ولایت را شناسایی و ذخیره‌ای ارزشمند از روایات را در اختیار باورمندان و تشنگان حقیقت قرار داد و از این طریق منابع دکترینال و آموزه‌ای مهدویت را اشراب کرد تا فکر شیعی بتواند در طول تاریخ از سازمان باورهای مهدوی خویش پاسداری کرده و جامعه شیعی را در اتصال و پیوستگی دائم با ولی امر قرار دهد.

هم‌زمان با تشدید روند تبلیغاتی معاندان در سده‌های اول حیات حضرت بقیة الله، ارزیابی صحیح از شرایط و وظیفه‌شناسی عالمان بزرگی هم‌چون صدوق و نعمانی و طوسی به کمک آمد و منجر به ایجاد اولین تک‌نگاری‌های حدیثی کلامی در حوزه مهدویت از سوی راویان سترگ و مدافعان سرسخت حریم ولایت گردید و این آثار را تا به امروز در جایگاه مرجع ارزشمندی برای کشف حقیقت اندیشه ناب مهدوی نزد پژوهشگران و باورمندان به وجود حضرتش قرار داد.

این پژوهش با روش تحلیل مضمون، به دنبال یافتن عناصر کلیدی گفتمان مهدوی آیه الله العظمی لطف الله صافی بوده در آثار مهدوی‌اش بوده است. انتخاب این شخصیت، به دلیل جایگاه سترگ او در راس هرم فقاہت و کلام شیعی معاصر و خصوصاً در حوزه مهدی پژوهی

می‌تواند لایه‌های گفتمانی و فرهنگی تفکر یکی از پراثرترین اندیشمندان شیعه را در این حوزه آشکار سازد.

ولایت بر محور توحید

نگرش آیه‌الله العظمی صافی به مسئله امامت و ولایت، بر اصول توحیدی استوار است و از آن جا که توحید را شعبه‌ای از ولایت می‌داند سنگ بنای باورهای ولایی را با عطف نظر به حفظ کامل حریم توحید و توجه به اصل تباین کامل خالق و مخلوق، و دور از بی‌پروایی‌های تعطیل و تشبیه، شرک و حلول و اتحاد، و غلو و تفویض بنا می‌نهد و چنین مرزبندی دقیقی را کار خطیری می‌شناسد که «در دقایق آن، فقط علمای متفطن و متبحر و زحمت کشیده در قرآن و احادیث اهل بیت» امکان اظهار نظر دارند. تمام هویت امام، فقر و احساس نیاز در برابر خداوند بی‌نیاز است و از این جهت امام، ربیب فقر است؛ زیرا بیشترین استعدادها و معرفت‌ها را دارد و در نتیجه، بیشترین نیاز را به خداوند احساس می‌کند. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۲، ۱۱۱) بر اساس این دیدگاه، تفویض به معنای فاعلیت بالاستقلال بندگان و حذف کامل قضا و قدر الهی از نظام کائنات، و نیز به این معنا که امر خلق، رزق، امات، احیا، شفای بیماران، برقراری نظامات و تدبیر کائنات به نحو استقلالی به حجج الهی یا به غیر ایشان سپرده شده باشد و خداوند از تدبیر امور عالم برکنار باشد، شرک و باطل است. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۱، ۴۷۱-۴۷۹ و ج ۲، ۳۲۷)

آیه‌الله العظمی صافی در معنای ولایت تشریحی نیز تفویض مطلق تحلیل و تحریم و جعل و تشریح احکام و تغییر «ما انزل الله» را باطل می‌داند و تفویض به معنای این که امام، احکامی را که خداوند به نبی وحی کرده در زمانی که مصلحت می‌بیند بیان کند، می‌پذیرند. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۱، ۱۰۱) احادیث متواتری بر این که ارواح و انوار پیغمبر و ائمه اطهار مؤید به روح القدس هستند دلالت دارند و از سویی عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عدم القای هواهای نفسانی در قلب و زبان او ثابت است. در نتیجه آنچه بر قلب او از اوامر و نواهی القا می‌گردد می‌تواند از باب «ما اتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا» از جمله موارد تفویض احکام به پیامبر شمرده شود که بنا به روایات برای مصالحی هم چون آزمایش یا تربیت عباد یا مصالح نبوت تجویز شده باشد و همین مقدار نیز نیازمند دلیل قطعی است. با این حال، از نظر آیه‌الله العظمی صافی، در خصوص امام با وجود مقام عصمت، ولایت تشریحی در چهار محدوده

«تفویض بعضی از احکام مخزونه نزد ایشان» و یا «واگذاری تشخیص مصادیق و تبیین جهات و حدود احکام به ذهن ثاقب و ملهم و ضمیر مؤید و روشن و صاف امام» و «ولایت بر امور حکم و شئونی که رسول الله داشتند» و بالاخره «ولایت بر امور مالی» است. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۱، ۱۰۳)

هم‌چنین ولایت تشریحی به معنای ولایت شرعی، یعنی ولایتی که کسی بر حسب تشریح و حکم خدا بر چیزی یا شخصی داشته باشد، اصل آن در میان شیعه و سنی ثابت و محل اجماع است و شیعه آن را شعبه‌ای از ولایت‌الله و مستمر می‌داند. در این صورت، ولایت و ریاست پیامبر و ائمه علیهم‌السلام بر همه امور دین و دنیا و اموال و نفوس مردم بر اساس آیاتی هم‌چون «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» ثابت است و تفسیر اولی الامر به جز بر این ذوات مقدس بر هر فرد دیگری حتی فقها و زمامداران، تفسیر به رأی است؛ زیرا امر آیه به اطاعت مطلق از آنان و نیز قرین شدن اطاعت رسول با اولی الامر، نشان از عصمت اولی الامر دارد که فقط با ائمه اطهار قابل تطبیق است. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۱، ۷۶-۶۱)

نظام امامت تجلی توحید است و نظامی الهی است که همگان در آن مجری احکام خداوند، و امام وسیله اقامه حق و دفع باطل است و محور حرکت و عمل همه افراد، دستورات و اوامر الهی است. نقطه عزیمت نظام امامت، جعل از سوی خداوند است که با آیاتی هم‌چون «انی جاعلک للناس اماماً» و «انا جعلناک خلیفة فی الارض» و «ولقد بعثنا فی کل امة رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت»، کیفیت مشروعیت آن که به نصب الهی است مشخص می‌شود. حکومت جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام با توجه به صریح روایاتی که خبر از فتح مشرق و مغرب زمین توسط اندیشه توحیدی امام می‌دهد و نیز اخباری که می‌گویند زمینی باقی نمی‌ماند مگر آن‌که در آن ندای لا اله الا الله بلند می‌شود و به سخن امیرمؤمنان علیه‌السلام «لیظهره علی الدین کله» در آن روزگار تحقق تام می‌گیرد، به مثابه تجلی تمامیت توحید در همه ابعاد آن است و «وحدت حکومت و نظام، وحدت قانون، وحدت دین، و وحدت جامعه به وسیله آن حضرت تحقق می‌یابد». (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۱، ۱۵۱ و ۳۰۲) دل‌مشغولی‌های انسجام‌گرایانه کلامی این متکلم سنت‌اندیش، آموزه‌های امامت و مهدویت را در بستر گفتمانی توحیدی تبیین می‌کند و ولایت حضرت مهدی موعود علیه‌السلام نهایتاً به بازتولید اندیشه توحیدی در همه شئون انسان منجر می‌شود.

عقلانیت امامت و مهدویت

آیه الله العظمی صافی برای تبیین اندیشه امامت و مهدویت به بررسی و تحلیل روایات توجه خاصی دارد اما این مسئله او را به سمت نگرش ظاهرگرایانه و یا تفکیکی سوق نمی دهد و مبنای معرفت شناختی او در خصوص حجیت نداشتن خبر واحد در روایات اعتقادی هم چون بسیاری از متکلمان عقل گرای دیگر است. او در کتاب حدیثی کلامی *منتخب الاثر* بر پایه راهبرد کلامی و برای نشان دادن انسجام مجموعه آموزه های مهدوی با شبکه باورهای شیعی، منطق اعتبارسنجی قرینه گرایانه را برای گزینش و تبیین این آموزه ها به کار می گیرد و روش شناسی سندگرایانه رجالیان متأخر را برای نگاه کل نگر و سیستماتیک به آموزه مهدویت دچار خلأ و نقصان می بیند.

بنا به نظر ایشان، از درون ادله و روایات پرشمار درباره امامت، می توان به چندین اصل مهم و معتبر در مبانی عقلی امامت دست یافت که مورد اجماع اصحاب و بزرگانی هم چون شیخ طوسی و مفید و ابن بابویه و علامه مجلسی بوده است. این مبانی عقلی از نحوه تبویب و برخی عناوین روایات در *منتخب الاثر* نیز به دست می آید: ۱. امامت عهدی الهی است که تعیین آن به نص از جانب خدا و اعلام پیامبر صورت می گیرد؛ ۲. عصمت و اعلمیت امام هر دو از شرایط مهم اویند؛ ۳. زمین از حجت خالی نمی ماند و اگر کسی امام زمانش را نشناسد و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است؛ ۴. بر اساس نص روایات متواتر، امامان از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و دوازده نفرند؛ ۵. به دلیل احادیث متواتر ثقلین، امامان در ردیف قرآن و جداناپذیر از آن هستند؛ ۶. ائمه معصومین علیهم السلام در همه مناصب دینی و حکومتی پیامبر صلی الله علیه و آله به جز نبوت، شریک اند؛ ۷. نام و صفت و ترتیب امامت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله مشخص گردیده و هر امامی، امام بعدی را مشخص می کند. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ۱۲۶-۱۲۳)

اصالت مهدویت

اصالت مهدویت که نام یکی از مهم ترین کتاب هایی است که در آن آیه الله صافی تلاش می کند تا گفتمان و هویت مهدویت را از جهات متعدد مورد بررسی قرار دهد و اصالت چنین باوری را از زوایای وجودشناختی، معرفت شناختی، دین شناختی، خداشناسی و عمل گرایانه تبیین کند و اعتبار آن را از حیث معقولیت امکان، عقلانیت مبانی، موافقت با فطرت و سنت های جهان آفرینش، و ابتنای آن بر بشارت کتب مقدس همه ادیان آسمانی و خصوصاً

قرآن و نیز بر روایات معتبر و متواتر، و هم‌چنین بر اجماع همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی به اثبات رساند. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰ «الف»: ۷-۹۶)

اصالت مهدویت به معنای ریشه‌دار بودن، واقعیت‌مندی، توجیه عقلانی و معرفتی و هم‌چنین بنیان‌های دینی عمیق و ریشه‌دار باور مهدوی در فطرت انسانی و ادیان آسمانی است که در عین حال به مثابه گفتمانی با هویت مستقل تحت تأثیر هیچ یک از ایسم‌های شرق‌گرا و غرب‌گرا قرار ندارد و توانست جریان بزرگی هم‌چون انقلاب اسلامی را رقم زند و الهام‌بخش جوانان مؤمن ایرانی برای جهاد و شهادت و دفاع از مرزهای کشور گردد. (همان: ۱۰) آیه‌الله صافی در *اصالت مهدویت*، حرکت دینی مردم ایران را در چارچوب اندیشه مهدویت تعریف می‌کند و آن را محوری جریان‌ساز می‌داند که هویت نظام دینی برآموزه‌های آن مبتنی است. (همان: ۱۱-۱۰)

در *اصالت مهدویت*، آیه‌الله صافی تلاش کرده تا از طریق تبیین کلامی باور مهدویت، آن را به مثابه دال مرکزی در همه رخدادهای مهم پیرامونی معاصر خویش، معرفی کند و همه دال‌های دیگر هم‌چون جهاد و شهادت و نهاد روحانیت و انقلاب اسلامی را در ذیل آن دال مرکزی تعریف نماید تا هژمونی و سلطه گفتمان مهدویت را تثبیت کند و از سوی دیگر با ساخت‌شکنی یا شالوده‌شکنی از گفتمان ایدئولوژیک جریان‌های التقاطی و الحادی مارکسیستی و منافقین که در زمانه مؤلف تلاش داشتند افکار عمومی را علیه امامت و مهدویت بسیج کنند، آن جریان‌ها را بی‌اصالت و بی‌هویت و ناتوان از ویژگی امیدبخشی پرمق و مستمر در بسیج اجتماعی توده‌ها برای حرکت‌آفرینی‌های بزرگ و هدفمند معرفی کند.

تحلیل گفتمانی *اصالت مهدویت* هر چند خود نیازمند پژوهشی مستقل است اما به اجمال خبر می‌دهد که این کتاب همانند برخی دیگر از رساله‌های موجز و پرمغز این فقیه اندیشمند در حوزه مهدویت، هم‌چون *انتظار؛ عامل مقاومت و حرکت*، در پس تبیین مواضع کلامی شیعه، رسالت‌بازسازی هویت انسان شیعی منتظر بر اساس اندیشه مهدوی را داراست و با برجسته‌سازی گستره اصالت مهدویت، خلأ معرفتی و تهی‌دستی تاریخی و دینی گروه‌های التقاطی را آشکار می‌سازد و تلاش می‌کند با منزلزل کردن ثبات معنایی دال‌های گفتمانی آنان، نهایتاً سازمان گفتمان رقیب را فرو ریزد. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰ «الف»: ۱۲-۸)

معرفت حجت خدا

حجت به معنای غلبه است و مجازاً، دلیلی است که برای طرف دیگر آورده می‌شود و باعث سکوت و پذیرش طرف مقابل در برابر آن دلیل، و غلبه بر خصم می‌گردد. هرچند بنا بر این تعریف همه موجودات جهان هستی، حجت و قرینه‌ای بر وجود خداوند هستند و حضرت حق می‌تواند با یکایک آنان بر هر انسانی احتجاج کند، اما حجت به معنای خاص آن بر ذوات مقدس معصومین علیهم‌السلام اطلاق می‌گردد. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰ «ک»: ۶۲-۵۹) مسئله معرفت، همواره اصلی مهم در تعمیق باور دینی بوده است و اگر بی‌عملی بنا به روایات، موجب مؤاخذة نهایی در روز قیامت است، بهانه‌جویی مکلفان در مورد جهل به تکلیف، در پاره‌ای موارد این گونه پاسخ داده می‌شود که چرا نیاموختی؟

امام‌شناسی رکنی در اندیشه کلامی شیعه و شناخت امام، راه‌رهایی و نیل به نجات است. نقطه عزیمت کتاب معرفت حجت خدا اثر آیه‌الله العظمی صافی، دعایی است که ثقة‌الاسلام کلینی که معاصر با نواب اربعه بوده و در سال ۳۲۸ یا ۳۲۹ رحلت فرموده در کافی شریف به دو سند از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده و شاگرد بزرگوارش مرحوم نعمانی نیز در کتاب الغیبه آن را به سندی دیگر نقل می‌کند. هم‌چنین مرحوم صدوق که در سال ۳۸۱ درگذشته است این دعا را به سه سند دیگر نقل کرده‌اند که مجموعاً ۶ طریق و ۲ متن با تفاوت بسیار اندک از این دعا موجود است و با عنایت به اعتبار کتب مذکور، دعا معتبر دانسته شده است. (همان: ۱۶) سرآغاز این دعا، عبارت «اللهم عرفنی نفسک» است که نشان می‌دهد برای سالکان طریق ولایت، خط سیر معرفت و محبت ولی و محبوب، از خداوند آغاز می‌شود و اگر به امام ختم می‌شود نیز به این دلیل است که او ولی و حجت خداست. همه درجات معرفتی که در این دعا آمده مقول به تشکیک است و چه در معرفت‌الله و چه در معرفت نبی و امام ما با رتبه‌های متنوعی از معرفت رو به رو هستیم. هرچه معرفت به حضرت حق افزون گردد عظمت مقام خلافت‌الله و سفارت از جانب الوهیت روشن‌تر و سرسپردگی به او امر نبی و ولی بیشتر می‌گردد. معرفت به خداوند برای نیایشگر به این دعا بالاجمال ثابت است و درخواست معرفت خداوند از سوی او، امری ذومراتب است و هر مرتبه نیز خود به فروع کثیری منشعب می‌گردد و برای هر رتبه، بالاتر و فراتر از آن متصور است. از این رو، عارف سالک با این درخواست یا در پی معرفتی کامل‌تر و درجاتی بالاتر است و یا در حقیقت، تثبیت و تعمیق آن شناخت را تقاضا می‌کند تا دچار زیغ قلب و انحراف از حق نگردد. معرفت خداوند در مرحله اول، بر پایه الهیات

سلبی و سلب همه صفاتی است که ذات باری از آن منزّه است و در مرحله بعد که خود دارای مراتب بسیاری است معرفت صفات کمالیه مانند وجود و وجوب و قیوم و عالم و... است. این شناخت از روی آثار و صفات جلال و جمال اوست و رابطه مستقیمی با نحوه عمل و رفتار انسان دارد. خوف و خشیت، رضا و تسلیم، توکل و استقامت، و صبر و شجاعت و شوق و محبت به خداوند، همه میوه‌های درخت معرفت است و معرفت بدون عمل، به کمال نمی‌انجامد. حفظ اخلاص خصوصاً در چهل روز، آن‌گونه که در روایات آمده چشمه‌های حکمت را بر زبان آدمی جاری می‌سازد. (همان: ۹۳-۷۹) آیه‌الله العظمی صافی به تبعیت از شارح مدقق صحیفه سجادیه و صاحب ریاض السالکین، برای معرفت حجت خدا، فقره مهمی از دعای عرفه را شاهد می‌گیرد که با این عبارات آغاز می‌گردد:

رب صل علی اطائب اهل بیته الذین اخترتهم لامرک و جعلتهم خزنة علمک و حفظة دینک و خلفائک فی ارضک و حججک علی عبادک و طهرتهم من الرجس و الدنس تطهیراً بارادتک و جعلتهم الوسيلة الیک و المسلك الی جنتک.

و بدین صورت هشت ویژگی مهم امام را ریاست کامله عامه در مطلق امر دنیا و آخرت، خازنان و معلمان امانتدار علم الهی، حافظان دین، جانشینان خدا بر زمین، حجت خدا و برهان او برای دعوت مردم به حق، معصوم و پاک از هر رجس و دنس، وسیله‌ای به سوی خدا، و رهنمایان نجات و امان، معرفی می‌کند و با یادآوری ویژگی‌های مهم امام که در اخبار دیگر آمده و آنان را اساس دین و عماد و ستون یقین و ستارگان آسمان و خاندان نبوت و محل رفت و آمد ملائکه و معدن علم و سرچشمه‌های حکمت دانسته، ارتباط شناخت امام با نجات و امان را مبین می‌سازد. هدایتگری امام به مثابه حجت و راهنما و دلیل راه برای کسی که به او اقتدا کرده و از فرمان حجت سرپیچی نمی‌کند، همان امری است که حدیث ثقلین نیز بر آن تأکید دارد. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ۱۲۱)

وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام

مسئله وابستگی جهان به حجت، امری است که نه تنها در روایات تفسیری، بلکه در کتب روایی به شکل مستقل به آن پرداخته شده و از طرق اهل سنت نیز احادیثی وارد است که فی‌الجمله دلالت بر این وابستگی دارد. اصل وابستگی، ثابت است و در برخی روایات کل جهان و در برخی دیگر این امر به زمین مختص گردیده است. از نظر تاریخی، منابع اهل سنت

روایاتی را به نقل از انس بن مالک آورده‌اند که دین اسلام را قائم به ائمه اثنی عشر می‌داند و با درگذشت آنها زمین اهل خود را فرو می‌برد. روایاتی از سلمان و ابوذر وجود دارد که قوام زمین را به امیرمؤمنان علیه السلام دانسته و او را مایه سکون و آرامش زمین معرفی کرده‌اند. در خصوص کیفیت وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام می‌توان گفت که امام، قطب عالم امکان و به مثابه هسته مرکزی مانند قلب و مغز برای دستگاه آفرینش است و از همین روی، هم «ما به الارتباط» و هم «ما به البقاء» و هم «ما به النظام» در چنین منظومه وسیعی است. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۲، ۸۲)

هم چنین می‌توان حضرات معصومین را علت غایی و مقصد اصلی خلقت انسان دانست. در این صورت، تمام موجودات امکانی به سوی موجود ممکن اشرف در حرکت‌اند و حرکت‌های شان مقدمه‌ای برای کمال خود و حتی کمال موجود اکمل است و آیاتی مانند: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» نشان می‌دهند که نبی و امام، علت غایی و مقصود بالذات و بالاستقلال است و علت صوری و مادی، مقصود بالتبع و العرض می‌باشد و علت غایی از علت صوری و مادی برتر و افضل است. (همان: ۹۵)

هم چنین می‌توان وابستگی جهان به امام را از این نظر توضیح داد که امام مجرای فیض جهان و واسطه ایصال برکات است و همان گونه که دریافت‌های تشریحی، مجراهای خاص خود را داراست که وحی از طریق آن صورت می‌گیرد، دریافت‌های تکوینی نیز پیرو همین قانون است و نیازمند وسایط خاصی است تا فیوض از آن طرق به اهلش منتقل گردد.

نیز می‌توان از این احتمال سخن گفت که امام الگو و دلیل و حجت و مدار حرکت است و از همین روی در احادیث ثقلین تمسک به قرآن و عترت، امان از ضلالت معرفی شده است. جنبه کمالی فیض خداوند در امام متجلی است و نقص همه موجودات با وجود امام و حجت جبران می‌شود.

افزون بر این، می‌توان امام را مظهر تام اسما و صفات الهی دانست؛ البته در حدی که موجود ممکن می‌تواند آن اسما و صفات را تحصیل کند. دلالت اسمای تکوینی بر مسمی نیز هم چون اسمای لفظی، در صراحت و ظهور، و ذات و صفت، و صفت ذات و فعل متفاوت است. برای مثال، هر بنده‌ای به میزان علمی که دارد مظهر نام «العالم» است، اما حجت خدا که «من عنده علم الكتاب» است تجلی همه اسما و صفات خداوند و از جمله نام «العالم» در کامل‌ترین موجود ممکن است.

الهیات نجات و باورداشت مهدویت

باور به مهدویت یک باور فراگیر در میان شیعه و سنی است که متعلقات این باور هر کدام در جای خود قابل بررسی است. یکی از جنبه‌های بسیار کلیدی این باور، نجات‌بخشی امیدآفرین آن است که در دو رساله عقیده نجات‌بخش، و نیز انتظار، عامل مقاومت و حرکت مورد توجه حضرت آیه‌الله صافی قرار گرفته است. عقیده نجات‌بخش، باور به حکومت موعود صالحان است که در آن بی‌عدالتی و تبعیض راهی ندارد و حکومت دینی شرایط و امکانات مساوی را برای همگان فراهم کرده اما مالکیت تابع میزان کار و تلاشی است که منجر به خلق ثروت از مسیر درست می‌گردد و ثروت برای ثروت در نظامات الهی معنایی ندارد بلکه ارزش آن‌گیری و تابع استفاده‌های مشروع و مستحب و واجب، هم چون انفاق فی سبیل‌الله و ایجاد رفاه در جامعه است. در کتاب عقیده نجات‌بخش، و در پی شرح حدیث «یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً» تلاش گردیده تا مرزهای گفتمانی باور مهدوی در حوزه عدالت با گفتمان‌های انسان‌گرایانه و کمونیستی عدالت‌خواه نشان داده شود و با واخوانش دینی دو ویژگی قسط و عدل که از ویژگی‌های بارز حکومت مهدوی است مفهوم قسط را به معنای تقسیم بر اساس عدل، و مفهوم عدل را به معنای گذاردن هر شیء در جای خود، و در این حدیث به معنای عدل حاکم بر جهان نه یک منطقه خاص تعریف کرده است. عقیده نجات‌بخش پاسخی به سوء قرائت از آموزه‌های مهدوی توسط جریان‌ات مارکسیستی و التقاطی است که اسلام را در فضایی التقاطی فهم می‌کنند. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰: «ط» ۵۸-۱۲۰)

پیوند انسان منتظر و حجت

خوانش امیدآفرین از مهدویت و آموزه‌های آن از ویژگی‌های آثار مهدوی آیه‌الله صافی است که غالباً ریشه در روایات دارد و حتی در نام کتب تألیفی ایشان منعکس است: *نوبید امن و امان*، *به سوی دولت کریمه*، *انتظار عامل مقاومت و حرکت*. تأکید بر اصیل و ریشه‌داری مهدویت در ادیان و کتب آسمانی دیگر، تأکید بر حتمی‌الوقوع بودن ظهور حضرت حجت و بازترسیم آینده امیدبخشی که قرآن کریم و روایات به آن مزده داده‌اند، ارائه خوانشی منسجم و غیرالتقاطی از مهدویت، و تبیین عقلانی خردآموزه‌های مرتبط با مهدویت هم چون کیفیت طول عمر امام، نحوه پیروزی بر سلاح‌های ویرانگر، علت و کیفیت غیبت امام، و امکان رؤیت حضرت در ایام غیبت و مانند آن نشان می‌دهد که عناصر گفتمان مهدوی آیه‌الله صافی یک‌سره در خدمت

ساخت هویت انسان منتظر در چارچوب مفهومی رابطه‌اش با امام غایب به‌عنوان حجت خدا در این زمان، به کار گرفته شده است. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۲۳، ۶۹، ۷۵ و ۸۲)

معناداری انتظار و نقش منتظر در حکومت موعود

وعده حتمی قرآن در آیاتی هم چون «و لقد كتبنا فی الزبور بعد الذکر أن الارض یرثها عبادی الصالحون» و روایاتی که مؤکداً و به صورت متواتر بیان می‌دارد که اگر از دنیا حتی یک روز هم باقی مانده باشد، خداوند آن روز را بسی طولانی می‌کند تا امام موعود ظهور کند و جهان مملو از ظلم و جور را پراز قسط و عدل کند، آینده‌شناسی دینی را در اختیار مسلمانان ارزیابی می‌کند. پویایی انتظار در عصر غیبت با عطف نظر به دو مؤلفه اقتدای عملی به سیره امام از طریق معرفت حجت خدا و کاهش عملی فاصله مأموم و امام، و تأکید بر افق‌های بسیار روشن جهان پس از ظهور، در اندیشه مهدوی آیه‌الله صافی دنبال گردیده است. توجه به نقش آفرینی انسان منتظر برای رسیدن به عصر ظهور، انتظاری معنادار را رقم می‌زند و منتظران را در تحقق وعده الهی و ظهور موعود و رویدادهای بزرگ و تحول‌آفرین آن دوره سهیم می‌کند. دانستن ویژگی‌های عصر حکومت امام، فرصتی است تا فرد خود را با هنجارهای حکومت مهدوی محک زند و تطبیق دهد و از این رو در کتاب *به سوی دولت کریمه*، به معرفی این هنجارها پرداخته شده و نشان داده شده که حاکمیت هوای نفس در آن دوره معنایی ندارد و قانون حاکم، قانون الهی و دین است. عبودیت خداوند سرفصل همه کارها و رفتارهاست و حکومت‌های جور همه برچیده می‌شود و حکومت توحیدی با امامت ولی عصر علیه السلام در همه جا برقرار می‌گردد و از همین روی، انسان منتظر که خود را برای چنان دوران درخشانی آماده می‌سازد باید قانون‌مداری الهی و ایستادگی در خط حق را تمرین کند. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰: «۵»: ۲۴-۲۲) پس از ناامنی‌ها و خون‌ریزی‌ها و جنگ‌های داخلی و فرقه‌ای و بین‌المللی، آینده معنوی انسان نیز با امنیت و صلح عمومی و نیز شکوفایی وضع اقتصادی بسیار مطلوب و روشن خواهد بود. (همان: ۴۹-۴۷)

عدل و قسط در امور تکوینی و تشریحی برقرار می‌گردد و امام با اجرای کامل و صحیح احکام اسلام، عدالت اجتماعی را محقق می‌کند و اعتدال و تناسب در سهام و حقوق و نظامات اقتصادی و اجتماعی و حکم به این نظامات و عمل بروفق آنها در حکومت مهدوی شکل می‌گیرد. حذف تبعیضات نژادی و طبقه‌ای براساس الگوی توحیدی و نیز حذف تجمل‌گرایی

و مصرف‌گرایی که به مثابه مظاهر مدرنیته، امروز حیات انسانی را با چالش‌های مادی و معنوی روبه‌رو ساخته است و بازگشت به وضعیت ساده‌زیستانه سنت نبوی در دولت کریمه احیا می‌گردد. (همان، ۴۱-۲۸)

با این همه آیه‌الله العظمی صافی بی‌درنگ و در جهت جلوگیری از سوء خوانش‌های مرسوم در زمینه‌های مارکسیستی و صوفیانه، تذکر می‌دهد که بهره‌وری از نعمات و جمال حیات دنیایی و روحیه کار و تولید و ایجاد ثروت حلال برای توسعه عائله و بی‌نیازی از دیگران و حتی اهداف عالی هم‌چون خودکفایی مسلمانان نه تنها ممنوع نیست بلکه از اعظم عبادات و طاعات است؛ زیرا به موجب آیه شریفه «ولله العزة و لرسوله و للمؤمنین»، استقلال اقتصادی در شئون زندگی از مصادیق مهم عزت و حفظ شرافت است. آنچه در اسلام مورد ملامت واقع گردیده حب دنیا و حرص و فخر به مال و تجمل‌گرایی است که ریشه هر گناهی است و سوء برداشت‌هایی که درباره زهد و قناعت و توکل و دعا و زیارت و عزاداری و انتظار ظهور و فرج و ثواب برخی ادعیه و توبه و... صورت می‌گیرد، ارتباطی به اصل دین ندارد. (همان: ۴۶-۴۲)

نتیجه‌گیری

تحلیل آثار مهدوی آیه‌الله العظمی صافی نشان می‌دهد که او ورودی آگاهانه و هدفمند در حوزه گفتمانی مهدویت دارد و تلاش می‌کند تا هویت انسان منتظر معاصر را بر محور رابطه میان امام و مأموم و از طریق معرفت امام زمان علیه السلام و نقش حجت خدا در نظام جهان و آینده درخشانی که به برقراری حکومت موعود صالحان می‌انجامد بازسازی کند و منتظران را در مقابل حمله‌های گفتمانی رقیبان مادی‌اندیش از طریق هویت‌سازی و مرزبندی با جریان‌های انحراف، ایمن سازد.

منطق معرفتی قرینه‌گرایانه و عقلانیت روش‌شناختی این مرجع تقلید سنت‌اندیش و عقل‌گرا در استنباط و تبیین منسجم از ذخایر قرآن و سنت برای ایجاد شبکه همگون باورهای مرتبط با آموزه مهدویت امری است که با بررسی آثار مهدوی ایشان آشکار می‌گردد.

هم‌چنین تأکید و مواظبت بر جداسازی مرز میان خالق و مخلوق و درنیفتادن در ورطه تشبیه و تجسیم و خصوصاً غلو و تفویض، نظریه او را در حوزه ولایت تکوینی و تشریحی آشکارا از اندیشه غالیان و نوغالیان ممتاز می‌سازد و اثبات مقامات امامت به ترقیق مرزهای توحیدی خالق و مخلوق نمی‌انجامد. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۱، ۲۲) او هم ساحت نقل را پاس

می‌دارد و هم در تلاش است تا جانب عقل را فرو نهد و در این مسیر از روش‌شناسی خاصی بهره می‌گیرد که بن‌مایه آن، قواعد بنیادین در اندیشه کلامی شیعه است و عقل را به مثابه ابزاری برای کاربست و فهم روایات بر طبق معیارها و قواعد می‌داند و همزمان در تلاش است تا براساس یک رویکرد عقلی و با عطف نظر به تواتر معنوی و اجمالی روایات به ظاهر متعارض و حتی نهایتاً تأویل‌گرایی، استفاده‌ای حداکثری از روایات مهدوی را آن‌چنان که در *منتخب‌الاثار* می‌بینیم رقم زند.

امامت و مهدویت بر محور توحید بنا گردیده و آموزه مهدویت، یک آموزه اصیل و ریشه‌دار است که باید به درک و معرفت صحیحی از آن دست یافت؛ نگاه‌شسته‌های مهدوی حضرت آیه‌الله صافی، پشتوانه‌های وجودی، معرفتی و تاریخی این آموزه را به خواننده یادآور می‌گردد و نقش امام را به منزله حجت و قطب عالم هستی گوشزد می‌کند و بدین صورت لزوم پیوند میان ماموم و امام در دوره انتظار، اصلی ضروری تلقی می‌گردد؛ پیوندی هویت‌ساز که با معرفت و امید منتظران به ایفای نقش در روزگار او و ره‌یافتگی به آستان نجات او، انتظاری معنادار را رقم می‌زند.

در عصری که جریان‌های انحراف و الحاد، تلاش می‌کنند تا گفتمان باطل خود را بر صدر بنشانند، آیه‌الله العظمی صافی از طریق تبیین منطقی سازواره مهدویت، عناصر بنیادین آن را منقح و مبین ساخت و حفظ هویت منتظران را به عنوان یک دغدغه وجودی در تعمیق معرفت به حجت خدا و بازشناسی عصر غیبت و آسیب‌های آن و ترسیم افق روشن انتظار در چشم‌انداز عصر ظهور دنبال کرد. او در عرصه نبرد گفتمانی، هوشمندان مؤلفه‌های تمدنی و انسان‌ساز مهدویت را با ابزار عقلانیت سنت دینی عرضه کرد و گفتمان مهدویت را به مثابه اعلام موجودیت و نماد هویت انسان شیعی در گستره آثاری بس متنوع احیا کرد. مروری گفتمان‌شناختی بر آثار مهدوی این فقیه - متکلم معاصر نشان می‌دهد که سازمان فکری او با دغدغه سنت، در پی احیای هویت، از راه پیوند وجودی و قلبی انسان منتظر با حجت است. او را باید به حق، معمار و احیاگر بازآفرینی هویت براساس گفتمان مهدویت و در پارادایم عقلانیت ایمان در عصر حاضر دانست و متدولوژی‌اش را باید نقطه عطفی در کلام اسلامی دانست که آموزه‌ها در حصار استدالات نظری صرف باقی نمی‌مانند و در پیوندی وجودی و عملی با زندگی انسان امروز تبیین می‌گردند و بدین‌وسیله زیست معنوی و حیات طیبه را نشان می‌دهند. آیه‌الله صافی به رغم روش کلام سنتی، مفاهیم وجودی هم‌چون معنا، امید، مقاومت، حرکت،

انسجام اجتماعی، حذف انواع تبعیض، پناه‌جویی، صلح عمومی، آرامش را در منظومه کلامی خویش وارد کرده است. او از آموزه‌های نظری و اثبات و تبیین آنها محملی برای استخراج مفاهیم وجودی مهیا می‌کند و کلام مهدوی و ظرفیت‌های آموزه امامت و مهدویت را مستقیماً با دغدغه‌ها و تعالی انسان و مشخصاً با هویت او مرتبط می‌سازد و پلی درونی میان آموزه و انسان می‌زند. بازسازی کلام نظری در بافت عمل‌گرایانه و بهره‌گیری وسیع از ظرفیت‌های کلام مهدوی و مفاهیم و گزاره‌های آن برای خوانشی وجودی و مؤثر بر روح و جان، و هویت و شخصیت انسان امروز، رویکرد کلامی این فقیه - متکلم سنت‌اندیش معاصر را در مجموعه آثار مهدوی‌اش به سوی یک کلام کاربردی و نوگرا سوق داده که در متکلمان متقدم مورد عنایت نبوده و تا حدی به ویژگی‌های فردی این مهدی‌پژوه و آگاهی‌او از نیازهای انسان مدرن و ظرفیت‌های دین برای پاسخ به آن باز می‌گردد.

منابع

قرآن کریم

۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «الف»)، *اصالت مهدویت*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «ب»)، *امامت و مهدویت*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «ج»)، *انتظار عامل مقاومت و حرکت*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «ح»)، *عقیده نجات بخش پیامون عقیده به ظهور و حکومت حضرت مهدی*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «د»)، *باورداشت مهدویت*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «ز»)، *پیامون معرفت امام*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «س»)، *وابستگی جهان به امام زمان*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «ط»)، *فروغ ولایت در دعای ندبه*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «ع»)، *ولایت تکوینی و تشریحی*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «ک»)، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، ترجمه: محسن احمدی تهرانی، تهران: انتشارات منیر.
۱۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «ل»)، *نظام امامت و رهبری امامت حضرت بقیه‌الله و نقش سازنده عقیده به امامت آن*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۱۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «م»)، *نظام امامت و رهبری*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.

- جمکران .
۱۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «ن»)، نوید امن و امان، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران .
۱۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «و»)، پاسخ ده پرسش، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران .
۱۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «ه»)، به سوی دولت کریمه، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران .
۱۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰ «ی»)، معرفت حجت خدا شرح دعای اللهم عرفنی نفسک، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران .
۱۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۱)، امامت و مهدویت، قم: دفتر نشر و تنظیم آثار آیه‌الله العظمی صافی گلپایگانی .
۱۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۲)، تجلی توحید در نظام امامت، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیه‌الله العظمی صافی گلپایگانی .
۱۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۲)، معرفت حجت خدا شرح دعای اللهم عرفنی نفسک، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیه‌الله العظمی صافی گلپایگانی .
۲۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۳)، وابستگی جهان به امام زمان، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیه‌الله العظمی صافی گلپایگانی .
۲۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۳ «و-۱»)، وابستگی جهان به امام زمان، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیه‌الله العظمی صافی گلپایگانی .
۳۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۳ «و-۲»)، گفتمان مهدویت، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیه‌الله العظمی صافی گلپایگانی .